



دانشکده بهداشت

گزارشات برگزاری جلسات تفسیر قرآن سال ۱۳۹۲



اولین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۲/۲۶ ساعت ۹،۳۰ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .

گزیده ای از بیانات استاد :

پیرو فرمایشات مقام معظم رهبری دام ظلّه در خصوص اهمیت سبک زندگی اسلامی این مبحث برای جلسات انتخاب شده است . ما باید سبک زندگی خودمان را منطبق با احکام اسلامی قرار دهیم تا زندگیمان اسلامی گردد . مشکلی که امروزه در جامعه وجود دارد این است که بخشی از آنچه بر دستگاهها و بخش های اجرایی و آموزشی حاکم است برگرفته از غرب است . برای رفع این مشکل ما باید سبک زندگی اسلامی را تعریف کنیم و تمامی قسمتهای حکومتی کشورمان را بر اساس آن طراحی و برنامه ریزی کنیم .

برای تعریف سبک زندگی اسلامی ، ارتباط انسان را به چهار قسمت تقسیم می کنیم :

۱- ارتباط با خدا

۲- ارتباط با خودش

۳- ارتباط با سایر انسانها

۴- ارتباط با طبیعت

در این چهار ارتباط بایستی یک اصولی وجود داشته باشد و آن اصول تعریف گردد تا زندگی بر اساس آن اصول قرار گیرد و هر گاه آن اصول اجرایی گردد ، زندگی بر پایه اسلام استوار خواهد شد . لذا شناخت این اصل ها در جلسات آتی شناسایی خواهد شد .



گزارش برگزاری دومین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

دومین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۳/۰۹ ساعت ۹،۳۰ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .

گزیده ای از بیانات استاد :

برای اینکه سبک زندگی بر پایه اسلام استوار گردد باید اصولی را رعایت کرد اولین اصل، شناخت خداست ؛

هر انسانی با توجه به تفکرات خود ، شناختی از خدا دارد در این راستا به داستان حضرت موسی و قوم یهود اشاراتی شدو بیان شد قوم یهود به دلیل اینکه خواسته های نفسانیشان با اسلام تضاد داشت و از طرف دیگر خصوصیتی که در باره پیامبر در تورات بود همخوان بود شروع کردند به تحریف تورات تا علائم پیامبر آخر الزمان را از تورات حذف کنند . علت اینکه اینها به راحتی دست به تحریف تورات زدند این بود که خداشناسی آنان درست نبود. آنها خدا را اینگونه می شناختند که یادش می رود چه چیزی نازل کرده و نمی داند اینها در حال تحریف تورات هستند.

نتیجه اینکه هر کس خداشناسی درستی نداشته باشد رفتارهایش نیز منطبق بر حقایق هستی نخواهد بود و گرفتار انحراف خواهد شد.

در ادامه تفسیری از لاله الا الله را بیان نمودند و اینکه شروع آن با لا اله است یعنی هر کس می خواهد به توحید برسد باید اول خدایان دروغین را حذف نماید .

در پایان پیشنهاد شد اگر بخواهیم خداشناسی درست داشته باشیم باید هر فرد تصویری که از خدا دارد روی کاغذ بنویسد و برای آنکه بدانند این تصویری که از خدا دارد درست است یا غلط به علمای دینی ارائه نماید و بر اساس روایات و احادیث ارزیابی نماید تا به نواقص خداشناسی خود را پی ببرد .

پس تا زمانیکه خداشناسی خود را درست نکنیم نمی توانیم زندگی خود را بسازیم .

سپس فرق عارف و فیلسوف را بیان شد و اینکه فیلسوف حقایق را می داند و عارف حقایق را می بیند .

از طرف دیگر وقتی می بینیم عرفای مختلف سخنان گوناگونی راجع به خدا می گویند معلوم می شود عرفان آنها اشتباه است . به نمونه های زیر توجه فرمایید .

- عارف مسیحی اعتقاد دارد سه خدا داریم
- عارف مسلمان اعتقاد دارد یک خدا داریم
- عارف یهودی اعتقاد دارد یک خدا داریم و این خدا پسر دارد

بحث دیگر این است ما در مسیر خدا شناسی ممکن است نواقصی داشته باشیم و نمی توانیم خدا را آنگونه که هست بشناسیم اما باید تلاش کنیم خداشناسی ما در مسیر اشتباه نباشد

جمع بندی بحث امروز این بود که اولین اصل برای ارتباط با خدا شناخت خداست که باید در مسیر صحیح و منطبق بر مسائلی باشد که خود خداوند در قرآن بیان کرده است .



گزارش برگزاری سومین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

سومین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۳/۲۳ ساعت ۹،۳۰ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .

جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده ای از مبحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و

سپس استاد گرانقدر به ادامه مبحث پرداختند :

گزیده ای از بیانات استاد :

ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (ص) در شعبان ، ارزش و اهمیت بسیار زیادی دارد و از خداوند می خواهیم توفیق بهرمندی از این ماه را به ما عنایت فرماید .

در جلسات قبل اشاره کردیم اولین اصل در رابطه انسان با خدا عبارت است از خدا شناسی و اینکه شناخت انسان نسبت به خداوند باید صحیح باشد .

اصول دوم در این زمینه این است که :

باید دستورات خداوند را قبول داشته باشیم هر چند امکان عمل به آنها برای ما وجود نداشته باشد .

شناخت دستورات الهی با توجه به افراد و علم و عقل آنان متفاوت است ، ممکن است فردی که در علمی تخصص دارد بعضی از دستورات الهی را قبول نکند و با توجه به علم خود استدلال بیاورد و دستورات الهی را نپذیرد. با توجه به اینکه دستورات الهی ، از قرآن نقل شده است ؛ اگر فرد در مورد صحبت خود پافشاری کند یعنی حرف خود را مقدم بر سخنان خدا قرار داده است ، پس اینجا دیگر عبداللهمعنی و مفهوم ندارد فرد بنده خود گردیده است و دیگر بنده خدا نیست . در این زمینه به داستان قوم بنی اسرائیل اشاره ای می کنیم :

خداوند به آنان دو دستور داد: (۱- شما حق ندارید با قوم یهود بجنگید و غیر از یهودی را کمک نکنید ۲- اگر قوم یهود در جنگ شکست خوردند شما برای آزادی اسرای آنان پول بدهید و آزاد کنید) که هر دو را قبول کنند ؛ اما این قوم یکی از آن دستور را اجرا کردند و دیگری را اجرا نکردند سپس از سوی خداوند آیه ای نازل گردید : اگر چه شما پول دادید و بنده ها را آزاد کردید ولی منتظر پاداش نباشد چون یکی از فرامین را اطاعت نکردید و به غیر یهود کمک کردید .

پس نتیجه می گیریم باید دستورات الهی را کامل انجام بدهیم و نباید نسبت به احکام اسلامی اظهار نظر بکنیم . علم بشر در برابر علم خداوند بسیار بسیار محدود است و حکمت و فلسفه احکام را نمی داند پس بشر حق ندارد در برابر دستورات الهی اظهار نظر کند و یا آن را تغییر دهد . البته این به معنی عدم تحقیق و بررسی در زمینه دستورات دینی نیست . یعنی انسان باید تلاش علمی خود را برای فهم فلسفه احکام انجام دهد اما نباید یافته های خود را در احکام الهی دخیل کند .

برای مثال گوشت خوک که حرام گردیده اکنون بشر به معایب آن پی برده اما در عین حال بشر نمی تواند بگوید با حرارت دادن آن میکروبها از بین می بریم و از آن استفاده می کنیم ، چون ممکن است مشکلات دیگر هم داشته باشد که علم انسان بدان دست نیافته است .

انسانها دو گونه اند ۱- عده ای دستورات الهی را نمی دانند . این گروه مشروط بر اینکه برای پیدا کردن احکام الهی کوتاهی نکرده باشند بر این افراد حرجی وارد نیست ۲- عده ای دیگر افرادی هستند که به دستورات الهی یقین دارند ولی آنها را نمی پذیرند و آنها را باطل یا اشتباه می دانند . این افراد کسانی هستند که کفر اعتقادی و عملی دارند و اینها بسیار خطرناک هستند .

دستورات دینی دو جنبه دارد :

- حکم
- موضوع

حکمه مانند این است بگویم کاغذ پاکاست که موضوع آن کاغذی باشد و فقیه حکم کلی را مطرح می کند . فقها احکام الهی را بیان می کنند اما فهم موضوعات دست خود افراد است .

۳- خداوند را باید آن گونه عبادت کنیم که خود فرموده است نه آن گونه که خودمان می پسندیم

با توجه به اینکه دستورات الهی توقیفی است یعنی همانگونه که هست باید عمل بشود و قابل تغییر نمی باشد و نیز نمی توان آنرا تحریف کرد . خدا را آن گونه که خود فرموده است عبادت کنیم و نباید بدعت در دین بیاوریم که این بدعت ها حرام است هر چند ممکن است آنچه که به عنوان بدعت مطرح می شود ترکیبی از دستورات دینی باشد . مثال اینکه فرد برای اینکه حاجتش بر آورده شود فلان سفره را نذر می کند و برای آن آداب و شرایطی لحاظ می کند . این بدعت است و حرام می باشد .



گزارش برگزاری چهارمین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

چهارمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۰۴/۰۶ ساعت ۹،۳۰ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .

جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده ای از مبحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و

سپس استاد گرانقدر به ادامه مبحث پرداختند :

اصل چهارم در این زمینه این است که :

خداوند ؛ عالم ، قادر مطلق و مقتدر است و همه چیز در دایره حکومت الهی انجام می گیرد . و هر حادثه ای که رخ می دهد در سیطره اوست .

ما انسانها در دنیایی که زندگی می کنیم یک سری خواصی در این عالم است که برای آن ارزشی قائل نیستیم به مانند ماهی هستیم که در دریا هست و عظمت آب را نمی داند هنگامیکه در خشکی قرار گیرد آن گاه به عظمت آن پی می برد آری ما هم به این گونه هستیم مثلاً " هر وقت تشنه ایم آب می نوشیم و رفع تشنگی می شود اما به عظمت آن پی نمی بریم که این آب چگونه بوجود آمد و حاصل قدرت کیست ؟ غافل از این قدرت الهی هستیم که در همه چیز نهفته است . برای روشنتر شدن مطلب به داستان ابراهیم (ع) که آتش بر او بی اثر شد اشاره می کنیم ، اکنون این سوال پیش می آید که آیا آتش سرد شد و یا گرمی آن از بین رفت . در حالیکه آتش همان آتش بود ولی گرمی خود را با اذن خداوند متعال از دست داد . اشاره ای دیگر به داستان فرعون برای اینکه با خدای حضرت موسی (ع) بجنگد دستور داد تا کاخی بلند استوار گردانند که بتواند با خدای موسی بجنگد . چون به خدای واحد ایمان نیاورد سپس فرعون و یارانش همه غرق شدند در هنگامی که خشم خداوند آنان را فرا گرفته بود فریاد برآورد که من هم به آنچه قوم بنی اسرائیل می گوید ؛ به خدای موسی ایمان آوردم و من هم مسلمان هستم که در این هنگام از سوی خداوند نازل گردید که اکنون دیر است و ایمان تو قبول نمی باشد .

پس انسان در همه امور خود و همچنین در برنامه ریزی خود باید خدا را در نظر بگیرد و فریب شیطان را نخورد در کتاباستعاده از شهید دستغیب که به مکرهای شیطان اشاره کرده است: شیطان آن قدر قوی است که هر کس حتی بخواهد با آن مبارزه بکند ممکن است آن فرد را هم به دام خود بکشاند . ولی آنچه مهم است ما خدا را داریم و باید در همه حال به او پناه ببریم (در شادیها و غمها و خرسندی و گرفتاری) و از یاد او غافل نباشیم و این خداوند قادر است که بر شیطان غلبه می کند .

و از هیچ کس و هیچ چیز نترسیم و خداوند را ناظر بر خود بینیم و از او بترسیم . پس اکنون که می دانیم همه چیز در ید قدرت اوست و او قادر مطلق است و هر اتفاق به اذن او انجام می گیرد برای مثال در هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) ؛ جنگی که رخ می دهد تمام سلاحها از کار می افتد و همچنین در جنگهای رسول اکرم (ص) که پیروز بودند گاهی اوقات پیروزی به واسطه ترسی بود که خداوند در دل دشمنان می انداخت .

اثر خداشناسی را که در عارفان بررسی می کنیم می بینیم خدا در وجود اینها به گونه ای گسترده است که در همه امور همیشه خدا را یاد می کنند برای مثال آیت الله بهجت هنگامی که کلید خانه بر دست داشت و در را باز می کرد بیان می کرد :

یا فتاح ، یا فتاح

ما نباید قدرت خودمان را هم عرض خدا بدانیم در هنگام گرفتاری او را یاد می کنیم و عجز و لابه می کنیم اما در جایی که قدرت داریم و سرفرازیم خدا را فراموش می کنیم . آیت اله خراسانی برای (عجب) که همان خودبینی است بیان می

کرد که هر روز که فرد نماز صبحش قضا می شد می گفت امروز من خراب است چون نمازم قضا شده است. ایشان می فرمودند نماز چه قضا شود یا نشود فقط باید گفت خدا. اینکه شما دیروز خود را به واسطه نماز خود خوب می دانید این نوعی عجب است.

خداوند به انسانهایی که خود را هم عرض خدا می دانند می فرماید:

یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم (ای انسان چه باعث شد که به خدای کریم یزرگوار خود مغرور گشتی؟) «سوره الانفطار - آیه ۶»

غرور آن است: که انسان خود را از خدا بی نیاز و برتر بداند. و این خصلت انسانهای پوچ و تهی است که فقط خود را می بیند ولی در عرفا اینگونه نیست هر چه دید عرفانی او بالاتر می رود اضطراب و ترس آنان بیشتر می شود و خود را نسبت به خدا ضعیف تر می بیند. حتی از عبادت خود هم می ترسند که مبادا این عبادت، غرور ی ایجاد کند و فاصله آنها را با خدا زیاد کند. پس نتیجه می گیریم که همه چیز در ید و قدرت خداست و بس اصول پنجم در این زمینه این است که:

زندگی انسان تنها در این دنیا نیست بخش عظیم آن در آخرت است پس ایجاد عدالت و احقاق حق در این دنیاممکن نیست. چون ظرف این دنیا کوچک است و نمی تواند این عدالت را بگستراند.

برای مثال فردی ده نفر را می کشد و یا فردی ده نفر را نجات می دهد چگونه می توان برای آنها عدالت را رعایت کرد آیا می شود فردی که ده نفر را کشته است به همان اندازه او را کشت و زنده کرد پس این چیزی است که در این دنیا امکان پذیر نیست و در آخرت؛ این فرد به همان اندازه ای که ظلم کرده است به همان اندازه کیفر می بیند. عقوبت در آخرت طولانی تر است و علت آن این است که دنیا گنجایش این مجازاتها را ندارد و نمی توان بیش از عملکرد انسان، پاداش داد. فقط دنیای اخروی است که ظرفیت آن محدود نیست.

در قضاوتهای دینی: باید مدعی برای ادعای خود شاهد بیاورد و منکر هم قسم بخورد. برای مثال حضرت علی (ع) که زره آن حضرت گم گشته بود آنرا در نزد یهودی یافت. حضرت برای گرفتن زره به پیش قاضی رفتند. اما حضرت برای ادله خود شاهی نداشت و فرد یهودی قسم خورد و قاضی رای داد تا زره را به یهودی بدهند در حالیکه خود قاضی می دانست که زره از آن حضرت است و چون می خواست بر اساس قضاوت دینی رای صادر شود باید به نفع یهودی حکم می کرد.

ما باید سبک زندگی خودمان را بر اساس آخرت تعریف کنیم نه بر اساس اینکه آدمها در این دنیا پاداش و کیفر خود را ببینند پس باید سبک زندگی را به گونه ای طراحی کرد که آخرتمان را آباد کنیم مانند: "تو نیکی کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز"

پس نتیجه می گیریم که: جریان سبک زندگی بایستی بر اساس آخرت باشد نه بر اساس این دنیای فانی و ناپایدار که به حکم قدرت الهی استوار گشته است.

پنجمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۱۸/۰۷/۹۲ ساعت ۱۱ در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید . جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده ای از مباحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و سپس استاد گرانقدر به ادامه مبحث پرداختند :

اصل ششم :

مفهوم قضا و قدر و جبر و اختیار چیست؟

در خصوص قضا و قدر هر یک افراد برداشتی از روی اعتقادات خود دارند و ممکن است مساله قضا و قدر و جبر و اختیار هنوز هم برای عده ای حل نشده باشد .

ما خیلی از کارهایی که انجام می دهیم و نمی دهیم به موضوع قضا و قدر مربوط می دانیم و این موضوع باعث شده که خیلی ها از زمانه عقب بمانند و اصلاحات را انجام ندهند مثلا " کسی که تصادف می کند یا ازدواجی ناموفق دارد یا در جنگی که رخ می دهد و کشته می شوند و ... همه را سرنوشت و تقدیر الهی می دانیم و برای رسیدن به راه حل بهتر زندگی کردن کمتر فکر کنیم و چاره بیندیشیم .

جهت روشن شدن بحث موضوع قضا و قدر را به صورت نمودار درختی بیان می کنیم

در این نمودار درختی سه نوع خط وجود دارد :

خطوط کم رنگ : مقدراتی است که خداوند برای ما قرار نداده است .

خطوط ممتد : مقدراتی که خداوند برای فرد نوشته است و به آن مقدرات فرد می گوئیم .

خطوط پررنگ : مقدراتی که فرد در دوران زندگی انتخاب می کند و به آن می سد که به آن می کوبند قضا .

خداوند متعال در یک موضوع مقدرات زیادی را برای فرد قرار می دهد اما فرد یکی از آنها را انتخاب می کند که به آن قضا می گوئیم .

قضا فعلیت یافتن یک قدر است . مثلا فرد کنکوری ۱۰۰ رشته محل را می تواند انتخاب می کند . بیشتر از آن برای او امکان پذیر نیست . هر یک از ۱۰۰ رشته در مقدرات فرد وجود دارد اما یکی از آنها متناسب با رتبه او به مرحله قضا می رسد .

یا فردی که می خواهد به مسافرت برود خداوند متعال چندین راه برای او قرار می دهد و ممکن است برخی از راه ها را قرار ندهد . مثلا " هواپیما را خداوند برای او قرار نمی دهد و هر کاری بکند که با هواپیما برود نمی تواند . اما مسافرت با ماشین ، قطار ، کشتی و امثال آن را قرار می دهد . هر یک از وسایل را انتخاب کرد همان برای او به مرحله قضا می رسد .

حال اگر با ماشین شخصی خود برود، اگر احتیاط کند سفری خوبی دارد ولی اگر احتیاط نکند و با سرعت غیر مجاز برود و تصادف کند این تصادف هم در مقدرات فرد بوده که خودش انتخاب کرده است و به مرحله قضا رسانده است .

مساله دیگر جبر و اختیار است ؛ عده ای که جبریون هستند فقط جبر را قبول دارند و عده ای دیگر فقط تفویض را قبول دارند ولی شیعه امر بین الامرین را قبول دارد . امام صادق در پاسخ به سوال جبر و اختیار فرمودند : لا جبر و لا تفویض

بل امر بین الامرین

برای روشن شدن موضوع به داستان حضرت علی (ع) اشاره ای می شود. حضرت پای دیواری نشسته بودند. این دیوار در حال فروریختن بود. ایشان بلند شدند و پای دیوار دیگری نشستند. اصحاب از او پرسیدند چرا این کار را کردید. آیا از قضای الهی فرار می کنید؟ حضرت فرمودند: من از یک قدر الهی به قدر دیگر پناه بردم. یک قدر الهی این است که زیر این دیوار بنشینم و دیوار بر سر من خراب شود و قدر دیگر این است که جای دیگری بروم و آسیب نینم. در خصوص شب قدر؛ که می گویند در شب قدر همه چیز تعیین می شود و عده ای ورق زندگیشان باتمام می رسد این اشتباه است. بلکه در شب قدر، قدر های سال آینده مشخص می شود. یعنی تقدیراتی که برای ما مشخص شده است ما از طریق دعا و اعمال نیک انجام دادن؛ یک سری قدرها را تغییر بدهیم. مثلا در شب قدر برای کسی مقدر می شود که امسال به مکه برود. معنی این سخن این نیست که این فرد حتما به مکه خواهد رفت بلکه به این معنی است که این شخص ممکن است امسال به مکه برود. اگر مقدمات کار را انجام دهد و شرایط فراهم کند می رود و الا نه. اما شخص دیگری که برای او در شب قدر رفتن به مکه رقم نخورده است در سال هر چه تلاش کند نخواهد توانست به مکه برود. رفتارهای ما قدرهای ما را تغییر می دهد. مثلا صدقه برخی از تقدیرات را کم و زیاد می کند. برای مثال فردی به صحرا می رفت و حضرت علی (ع) فرمودند که ایشان می میرد. وقتی که از صحرا بازگشت اصحاب گفتند که ایشان زنده برگشت! چه شده است؟ حضرت علی (ع) فرمودند: کوله بارش را باز کنید درون آن یک مار بود که حضرت فرمودند این فرد در راه با صدقه دادن خود باعث شد که قدر او عوض شود. در پایان جلسه پرسش و پاسخهایی انجام گرفت. پس نتیجه گیری می کنیم:

قدرها را خداوند تعیین می کند ولی این انسان است که می تواند با اعمال نیک خود، قدرهای خوب را انتخاب و به مرحله قضا برساند. شیعه نه جبر را قبول می کند که یعنی همه چیز را خداوند برای ما قضا کرده باشد و نه اینکه دارای اختیار مطلق است و هر کاری که می خواهد بکند. پس فرد برای اینکه قدر خود را تغییر دهد بایستی اعمال نیک و شایسته مطابق موازین اسلامی انجام بدهد تا قدر آن تغییر کند.

گزارش برگزاری ششمین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

ششمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۰۸/۰۹ ساعت ۱۰ صبح در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید. جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده ای از مباحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و سپس استاد گرانقدر به ادامه مبحث پرداختند:

اصل هفتم:

زندگی ما معطوف به دنیای مادی نیست
غریبها همه چیز را مادی می دانند و هر آنچه قابل لمس و رؤیت باشد قبول دارند و زندگی آنان بر این اصل استوار است. نگاه اسلام بر عالم ماوراء استوار است ولی دیدگاه انسانها نسبت به این عالم ماوراء متفاوت است. مثلا "دستورات اسلام را اجرا می کنیم ولی دیدهها متفاوت است.

در قرآن کریم سوره حمد " رب العالمین " خدای جهانیان معرفی کرده اند و جهانیان از نظر لغوی یعنی اهل جهان ؛ در حالیکه معنی صحیح آن عالمهائی باشد یعنی حمد و سپاس مخصوص پروردگار عالم هاست.

تعریف عالم از نظر لغوی: یعنی دنیا ، هستی

تعریف عالم از نظر اصطلاحی: عالم، حالت و وضعیتی است که کسی یا چیزی در زمانی، همراه با کسانی و چیزهایی که در آن حالت قرار دارند، و فقط منحصر به آنهاست حس و درک می کنند. لذا یک آدم عاقل هرگز عالم دیوانگی و یا به اصطلاح عالم هپروت را تا آخر عمر هم احساس و درک نمی کند و برای یک آدم گمنام هم ، عالم شهرتی وجود نخواهد داشت ولی عالم نفسانیات را همه دارند .یک حشره هم نمی تواند هرگز عالم یک حیوان مهره دار و یا گیاه را حس و درک کند و الی آخر.

مجموعه ای که شامل ضوابط و مقرراتی است و هر یک از مخلوقات دارای عالمی است مثال عالم مورچه ها .

یک سری از عالمها با همدیگر تلاقی دارند مثل عالم انسان و حیوان که در برخی امور با هم یکی هستند و در برخی امور متفاوت اند . .

تقسیم بندی عوالم از نظر مراتب وجود:

عالم ناسوت

عالم ملکوت

عالم جبروت

عالم لاهوت

عالم ناسوت : آنچه را که بشود در این جهانی که ما در آن زندگی می کنیم بینم و یا با تمام احساسی که خداوند به ما داده است حس کنیم به آن عالم ماده وناسوت می گویند .یا بعبارت دیگر عالم ماده است عالمی که همه چیز آن بر اساس ماده استوار است قابل دیدن و لمس است . در عالم ماده باید مواد ووسایل آن باشد تا آن ماده بوجود آید در این عالم تراحم داریم یعنی همزمان دو فرد نمی توانند از یک چیزی استفاده کنند . در این عالم محدودیت هم وجود دارد . یعنی انسان نمی تواند همه علوم را با همدیگر بیاموزد .

عالم ملکوت: "و کذلک نری ابرهیم ملکوت السموات و الارض و لیکون من الموقنین " سوره انعام آیه ۷۵

و اینچنین به ابراهیم ملکوت آسمانها و زمین را نشان می دهیم و برای اینکه از اهل یقین باشد.

شهید مطهری رابطه عالم ملکوت با ناسوت را مانند رابطه انسان به سایه اش می داند یعنی اصل وجود انسان را همان عالم ملکوت می داند و سایه آن را عالم ناسوت میدانند.

فلاسفه اصالت را بدینگونه بیان می کنند :

اصالت وجود :

اصالت ماهیت :

عده ای دیگر می گویند وجود و ماهیت را اصل نمی دانند بلکه فقط اصل را ملکوت می دانند .برای روشن شدن موضوع آیاتی از قرآن را بیان می کنیم :

سوره نسا آیه ۱۰: آنانکه اموال یتیمان را به ستمکاری می خورند در حقیقت آتش جهنم را را در شکم خود فرو می برند و بزودی در آتش فروزان دوزخ خواهند افتاد.

سوره بقره آیه ۱۷۴: آنانکه آیاتی را که خدا از کتاب آسمانی فرستاده پنهان می دارند و به آن بهایی اندک بدست می آورند آنها جز آتش جهنم به شکم خود فرو نمی برند و خدا در روز قیامت با آنان سخن نگوید و پلیدی و عصیان پاکشان نگرداند و آنان را در قیامت عذابی درد ناک خواهد بود

سوره بقره آیه ۲۷۶: خداوند ربا را نابود گرداند و صدقات را افزونی بخشید خدا هرگز مردم ناسپاس گنه پیشه را دوست ندارد

مهم این است که اتفاقاتی که در عالم ناسوت می افتد در عالم ملکوت هم رخ می دهد و همچنین تغییراتی که در عالم ملکوت رخ می دهد بازگشت آن در عالم ناسوت هم می باشد. ما انسانها چشممان به عالم ملکوت بسته است. ولی انسان بایستی نگاهش به عالم ملکوت باشد نه عالم ناسوت خداوند می فرماید: اتفاقاتی که در عالم ناسوت رخ می دهد فریب آن را نخورید زیرا در پی آن ملکوت است. بسیاری از اتفاقاتی که برای ما رخ می دهد مربوط به اعمالی است که در این دنیا انجام می دهیم. روایت است که در هر منطقه ای که گناه زیاد باشد در آن منطقه زلزله رخ می دهد.

عالم جبروت: عالم عقل محض است و می گویند فرشته ها در این عالم حضور دارند هیچ تضادی وجود ندارد و فرشتگان نافرمانی خدا نمی کنند عالم فرشتگان عالم عقل محض است. به مانند علم ریاضی که در آن خطا وجود ندارد ولی در علم شیمی خطا وجود دارد.

عالم لاهوت: عالم مربوط به خداوند است واحد است و یک عضو بیشتر نیست که همان خداست.

هرعالمی ضوابط خود دارد:

در ناسوت نیاز به ماده است؛ عالم ملکوت نیاز به ماده ندارد؛ عالم لاهوت زمان ندارد و هر آنچه که خدا بخواهد انجام می شود.

آیا ذات خداوند را می توان به آن فکر کرد؟ نمی توان به ذات خداوند فکر کرد چون خداوند در عالم لاهوت است و ما مخلوقات در عالم ناسوت هستیم. ولی ویژگی انسان این است که از همه عوالم بهره برده است. مثلاً "عالم لاهوت که از نور خدا در ما دمیده شده است

(انا لله و انا الیه راجعون) یک انسان از عالم ناسوت می تواند عالم لاهوت هم راه یابد همچون پیامبر (ص) که در شب معراج تدریجاً راه لاهوت را یافته که حتی فرشتگان توان راه یافتن به آن مرحله را هم نداشته است. برای نمونه می توان به رجبعلی خیاط و حسنعلی نخودکی اصفهانی (کتاب "نشانی از بی نشانها") اشاره کرد.

در خاتمه، حدیث قدسی که جبرئیل به حضرت محمد "ص" نازل شده است بیان می کنیم:

"عبدی اطعنی اجعلک مثلی ان حین لا اموت اجعلک حین لا تموت..."

در مورد این حدیث قدسی که خداوند میفرماید: بنده من مرا اطاعت کن تا تورا مثل خودم قرار دهم، تا همانطور که من میگویم باش پس می شود تو هم بگویی باش پس بشود.

سپس نتیجه می گیریم دیدگاه اسلام به سبک زندگی ؛ نگاهی به این جریانات دارد وقتی انسان کارهایش با دید معنوی باشد و از بعد مادی خارج شود و تنها رضای خالق را در نظر بگیرد می تواند به عالم لاهوت نیز راه یابد.



گزارش برگزاری هفتمین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

هفتمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۰۹/۱۴ ساعت ۱۰ صبح در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید . جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده ای از مباحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و سپس استاد گرانقدر خلاصه ای از کلیه جلسات قبل ایراد نمودند و به ادامه مبحث پرداختند:

اصل هشتم :

عالم برزخ و عالم قیامت :

در قرآن کریم واژه برزخ سه بار در سه آیه ذکر شده است دو آیه در سوره فرقان و یک آیه در سوره الرحمن عالم دنیوی که یک عالم دنی و پست است اما این دنیا با تمام پستی آن ولی شیرینیهایی دارد که در عالم برزخ وجود ندارد. برای مثال چرا امام حسین می خواهد یک شب دیگر در این دنیا بماند و نماز بخواند ؟ چون در این دنیا لذت نماز و قرآن خواندن وجود دارد . در حالیکه در عالم برزخ این لذت وجود ندارد. انسان پس از مردن وارد جهانی دیگر می

شود وزندگی را دوباره شروع می کند ، که این همان عالم برزخ است . یعنی انسانها بعد از مردن وارد عالم برزخ می شوند .
مردن برای همه یکسان نیست . بعضی ها به راحتی و بعضی ها به سختی جان می دهند و برخی از انسانها هنگامی که می میرند هنوز باور ندارند که مرده اند و با زنده ها حرف می زنند اما پاسخی نمی شنود . بهمین خاطر مرده را که در قبر می گذارند تلقین می کنند (اسم افهم و)
اکنون عالم برزخ کجاست ؟

سوره مومنون آیه ۹۹ و ۱۰۰ (آنگاه مرگ یکی از آنها فرارسد می گوید : پروردگار من مرا به دنیا باز گردانید . شاید من در آنچه ترک کرده ام عمل صالحی به جای آورم به او خطاب شود هرگز چنین نخواهد شد این سخنی است که او به زبان می گوید و عقب آنها برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند .)
برای روشن شدن مکان عالم برزخ اینگونه می گوئیم که اگر شما شهر تهران را تصور کنید با تمام امکانات آن ، آنچه تصور می کنید در عالم ذهن شماست و در بیرون چیزی وجود ندارد که کسی بتواند آن را ببیند .
عالم برزخ ؛ عالمی است که با چشم عادی نمی توان دید . عالمی است که مخصوص خودش است . بعضی افراد چشم برزخی دارند یعنی چشم آنان به عالم برزخ باز است و می توانند برزخ افراد مرده را ببینند .

در عالم برزخ هم زندگی وجود دارد که دو حالت است بهشت برزخی و جهنم برزخی ، انسانهای خوب و صالح به بهشت برزخی و انسانهای بدو ظالم به جهنم برزخی می روند . برای نمونه فردی از دنیا رفته بود در خواب او را دیدند و حال او را پرسیدند گفت : من در عالم برزخ هستم زندگی خوبی است اما هر روز یک ماری می آید و نیش می زند و می رود و علت آن این است که اسم همسرم را بد صدا می زدم .

این سخنهای چو مار و کژدمت مار و گژدم گردد و گیرد دمت

در عالم برزخ رشد وجود دارد ولی رشد آن معنوی است یعنی رشد آن از جنس دنیای مادی نیست ، البته دنباله رو رشد دنیای مادی هست یعنی اگر انسان در دنیای فانی فکر مادیات باشد در عالم برزخ هم به دنبال مادیات می باشد و اگر طالب علم و عاشق اهل بیت باشد در برزخ هم به همان رویه خواهد بود .
بهشت درجاتی دارد طبق روایات درجات بهشت به تعداد آیات قرآن می باشد و هر کس با درجه خود وارد بهشت می شود .

سوره آل عمران آیه ۱۶۳ (این دو گروه (مومن و کافر) به مراتب نزد خداوند درجاتی است و خدا به آنچه می کنند بیناست)

بعد از عالم برزخ عالم قیامت است و این عالم چگونه پدید می آید .

عالم قیامت هنگامیکه از طرف خداوند به اسرافیل فرمان صادر می شود تا در صور بدمد
سوره نمل آیه ۸۷ (و به خاطر آورید روزی را که در صور دمیده شود هر در آسمانها و هر که در زمین است همه در وحشت فرو می روند جز آن را که خدا خواسته و همه با خضوع به (محشر) پیشگاه خدا در آیند)
در کتاب حق الیقین عالم قیامت را این گونه بیان نموده است : هنگامیکه در صور دمیده می شود انسانها از قبر در آیند و با سرعت به سوی پروردگار آیند و همه وارد محشر می شوند برای حساب اعمال خودشان و هر کس نامه اعمالش را به

دست دارد تا آنرا بخواند. در آن هنگام انسانهای خوب و پرهیزکار به راحتی عبور می کنند و انسانهای بد در جاهای سوزناک و وحشتناک می مانند. ما انسانها نسبت به همدیگر حق و حقوقی داریم. حال باید نسبت به هم گذشت کنیم تا خداوند هم گذشت کند. عده ای گذشت می کنند و می گذرند وعده ای دیگر گذشت نمی کنند و خداوند درجه حرارت را بیشتر می کند و باز سوال می کند که ایا گذشت می کنید؟ عده ای قبول می کنند و گذشت می کنند و عده ای دیگر رد می کنند و خداوند عذابی سخت تر برای آنان قرار می دهد. در نهایت افرادی که باقی می مانند مورد حساب قرار می گیرند.

دیگر مسائلی که در روز قیامت وجود دارد مسئله شفاعت هست. که در قرآن چندین بار تکرار شده است.

سوره البقره آیه ۲۵۵ (من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه (آیت الکرسی)

این شفاعت شکل های مختلفی دارد مثال فرزند صالح شفاعت پدر را و یا استاد شفاعت دانشجورا می کند. در حالیکه در عالم قدر یا برزخ شفاعت وجود ندارد.

برای روشن تر شدن موضوع به کتاب منازل الاخره از حاج شیخ عباس قمی مراجعه شود که در آن کتاب روز قیامت میزان آن را پنجاه سال دانسته است که یک روز آن به اندازه هزار سال دنیایی است. در قیامت موافقی وجود دارد که تعداد آن ها پنجاه موقوف است که در همه موقوف ها شفاعت وجود ندارد در بعضی از موقوف ها شفاعت وجود دارد. در قیامت موافقی هست که فرد سخن هم می گویند و می تواند راست یا دروغ بگوید، موافقی وجود دارد که نمی تواند دروغ بگوید، موافقی هست که تمام اعضا و جوارح هم به سخن در می آیند، موافقی هم وجود دارد که اهل جهنم، اهل بهشت را می بینند و حسرت می خورند و اهل بهشتیان هم جهنمی ها را می بینند.

سوره اعراف آیه ۴۷ (و چون نظر آنها بر اهل دوزخ افتد گویند پروردگارا منزل ما را با این ستمکاران یک جا قرار مده (

سوره اعراف آیه ۵۰) و اهل دوزخ بهشتیان را آواز کنند که ما را از آن آب های گوارا یا از نعمتهای بهشتی که خدا روزی شما کرده بهره مند کنید آنها پاسخ می دهند که خدا این آب و طعام را بر کافران حرام گردانیده است. (

نکته جالب اینکه عده ای وارد بهشت می شوند ولی هنوز یکسری عقده و کینه نسبت به هم دارند که این حالت را غل می گویند که در هنگامی که وارد بهشت می شوند این کینه ها برداشته می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری:

انسانهایی که تمام هم و غم آنان مادیات باشد از آخرت دور مانده اگر انفاقی هم می کنند به اجبار و برای قیامت خود نیز ثروتی نمی اندوزند ولی افراد مومن و پرهیزکار در همه کار خدا رادر نظر می گیرند و هر کاری انجام می دهند برای رضای خدا و آخرت خود ثروتی اندوخته، چون قیامت را قبول دارند و هرگز در کار خود سست نمی شوند و منتظر تشکر نیستند و سختی ها را هم با دل و جان می پذیرد تا خالص تر شوند. ولی انسان مادی قیامت و برزخ را در نظر نمی گیرند و اگر کاری می کنند منتظر تشکر و پاداش آن در همین دنیای مادی می باشند. برای نمونه اشاره ای به زندگی امامان معصوم (ع) می کنیم:

حضرت علی (ع) که رهبر و پیشوای مسلمین بود برای امرار معاش خود کار می کرد و حتی کشاورزی هم می نمود.

حضرت باقر (ع) در ظهر گرما کار می کرد و عابری می گذشت به آن حضرت گفت: شما که نیازی نداری چرا در این موقع کار می کنی و حرص می زنی. امام فرمودند: خداوند بیکاران را دوست ندارد و دوست دارد تا بندگان خود کار کنند.

گزارش برگزاری هشتمین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

هشتمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۰۹/۲۱ ساعت ۱۰ صبح در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید. جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده ای از مباحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و سپس استاد گرانقدر به سوالات پیرامون جلسه قبل پاسخ بدینقرار دادند:

بر اساس سوره یاسین از آیه ۴۹ به بعد؛ در روز قیامت سه بار در صورت دمیده می شود. در نوبت اول همه افراد از بین می روند در نوبت دوم همه از قبر بیرون می آیند و زنده می شوند و در نوبت سوم همه در نزد پروردگار خود حاضر می شوند.

زمانی که مرگ انسان فرا می رسد برای جدا شدن روح از بدن انسان، سه گروه مشخص شده اند که با یکدیگر رابطه طولی دارند یعنی اول خدا، بعد عزرائیل، و بعد ملائکه. ولی فرشته اصلی که قبض روح می کند عزرائیل است که به فرمان خدا است و ملائکه هم به او کمک می کنند.

اصل نهم: عدالت و حکمت خداوند چیست و نگاه ما چگونه است؟

عده ای از انسانها معتقدند که کارهای خدا حساب و کتاب ندارد برای مثال می گویند چرا عده ای پولدار و عده ای فقیر می شوند. عده ای باهوش و عده ای کند ذهن؛ اینها می گویند اتفاقات دنیا شانس و اتفاقی است و بر حسب تصادف می باشد.

طبق آیات قرآن کریم:

سوره انعام آیه ۵۹: وکلیدهای غیب نزد خداست جز خدا (کسی) بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را می داند هیچ برگی از درخت نیفتد مگر آنکه از آن آگاه است و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ ترو خشکی نیست جز آنکه در کتابی مبین و قرآن عظیم مسطور است.

سوره نور آیه ۴۳: آیا ندیده ای که خدا ابرها را از هر طرف می راند آنگاه آنها را به هم می پیوندد سپس مترکم می سازد آنگاه باران را بنگری که از میان آن ابر بیرون می آید؟ و نیز از آسمان از آن کوهها که در آنجاست تگرگ فرو می بارد و به که بخواید آنرا می زند و هر که بخواید بازش می دارد. روشنی برکش نزدیک است که روشنی دیده ها را از بین ببرد.

پس طبق آیات قرآن همه چیز از روی حساب و کتاب است هیچ چیز در عالم اتفاق نمی افتد مگر تابع قانون است مثلاً" در بحثهای فیزیکی هیچ معلولی بدون علت نیست. مثلاً" در بیماریها؛ علت بیماری را بیان می کنند. در بحثهای معنوی هم همین گونه است. خداوند متعال که این نظام را خلق کرده است هر کسی را در جایگاه خود قرار داده است که تابع اصول

و قوانین می باشد و اگر کسی این اصول را کشف کند می تواند به واقعیت برسد. برای بهتر شدن موضوع برای مثال فردی که رتبه اول کنگور گردیده است بر اساس تلاش و زحمات خود و شرکت در کلاس های کنگور و غیره بوده است. لذا خداوند همه چیز را بر اساس حکمت و خلقت آفریده است.

آدم حکیم: کسی است که هر سخن و هر کاری را در جای خودش انجام می دهد. آیات قرآن هم حکیم است: یعنی هر چیزی سر جای خود آمده است و کسی نتوانسته مثل و مانند آن را بیاورد و یا ایرادی منطقی بر آن بگیرد. خداوند: خود حکیم است و نظام خلقت نیز حکیمانه است. پس خدایی که همه چیز را از روی حساب و کتاب آفریده است؛ نمی توان گفت که خوشبختی و بدبختی انسان بر اساس حکمت نیست. و نظام خلقت که با این عظمت طراحی شده است پس سرنوشت انسانها هم نمی تواند شانسی باشد.

این تفاوتهایی که ما می بینیم اینها دست خداوند نیست بلکه این ها بستگی به علم و درایت خود فرد دارد مثلاً "فرزندی که کند ذهن و یا ترسو و غیره می باشد این خلیقات تا حدی متأثر از رفتارهای پدر و مادر می باشد.

اکنون سوال می شود چرا برای اشتباه پدر و مادر، فرزند باید بسوزد؟ در پاسخ می گوئیم عدالت خداوند شامل امکاناتی که به بشر می دهد نمی باشد بلکه عدالت خداوند در محاسبه اعمال بندگان است: یعنی هر کسی با توجه به سواد و امکاناتی که دارد حساب و کتاب می شود. هر که امکانات بیشتر داشته باشد حساب و کتاب آن بیشتر است.

بر همین اساس است که می گوئیم ما انسانها نباید بر عملکرد خود فخر کنیم و بواسطه اعمال نیکی که انجام می دهیم خود را برتر از دیگران بدانیم زیرا باید دید این اعمال در پیشگاه خداوند متعال مقبول قرار گرفته یا نه. ضمن این که معلوم نیست امکاناتی که خدا به ما داده است بیشتر است یا امکاناتی که به دیگران داده است. امکانات را هم تنها نباید از بعد مادی و دنیایی نگریم بلکه امکانات معنوی و اخلاقی و فردی نیز باید سنجیده شود.

ادیان مختلف هم در پیشگاه خداوند یکسان نیست. برای مثال فردی که در کاشان که شهر مذهبی و دارالمومنین است زندگی می کند با فردی که در ترکیه می باشد، درصد گناه آنان یکسان نیست آنکه در شهر کاشان می باشد گنااهش خطرناک تر است، پس مجازات آن هم بیشتر می باشد. انسان همیشه باید نگران عملکرد خود باشد و اگر خوبی هم می کند باید ببیند همان خوبی است که مورد قبول حق می باشد یا خیر. ما همواره باید از خود سوال کنیم آیا من به همان خوبی که می توانستم باشم هستم یا نه. خداوند هرگز انسانها را با همدیگر مقایسه نمی کند و هر کسی را با اعمال خودش مقایسه می کند.

وقتی خداوند می گوید تعز من تشاء و تذلل من تشاء، این گونه نیست که خداوند بی حساب کسی را عزت دهد و بی حساب کسی را ذلیل کند بلکه خواسته های خداوند از روی حساب و کتاب است و با خواسته های ما فرق می کند. انسانهایی که مسیر راه خود را پیدا کردند و از ضلالت و گمراهی نجات یافته و در مسیر هدایت حق قرار گرفته اند حق تعالی هم به او کمک کرده تا هدایت شوند.

خداوند می گوید ما هر کاری بخواهیم می کنیم یعنی اینکه هر فرد با توجه به اتفاقهایی که برای خود رقم می زند. خداوند آنرا برایش قرار می دهد. زیرا وجود ما از وجود خداوند جدا نیست

سوره انفال آیه ۱۷: (ای مومنان شما آنان را نکشتید بلکه خدا کافران را کشت و چون ای رسول تیر به سوی آنان افکندی ، تو نیفکندی بلکه خدا افکند . آری خدا چنین خواست تا کافران را شکست دهد و مومنان را به پیش آمد خوشی بیازماید . خدا شنوای دعای خلق و دانا به مصالح امور عالم است .)

در سوره مبارکه انفال خداوند می فرماید: ای پیامبر آن موقع که شن ها را پرتاب می کردی این تو نبود؛ ما بودیم که این قدرت را به تو دادیم تو این قدرت را خود نداشتی بلکه ما این قدرت را به تو دادیم . پس خداوند هر گاه اراده کند نباشیم ما هم نیستیم . پس وجود ما که وابسته به خداست مانند سخن گفتن ما ؛ پس ای بنده ؛ تو وجودت متعلق به من خداست چرا با دو رکعت نماز خواندن تکبر می کنی . برای مثال : همان منبع برق

سوره انفطار آیه ۶: (ای انسان چه باعث شد که به خدای کریم و بزرگوار خود مغرور گشتی .)

انسانهای الهی که عارف واقعی می شوند می ترسند که خدا نظرش را از او بردارد . مانند حدیث شریف : الهی لا تکنی الی نفسی طرفه عین ابداء (خدایا به اندازه یک چشم به هم زدن مرا به خودم وامگذار) پیامبر (ص) می فرماید: من هیچ چیز را عمل نمی کنم مگر آنکه خداوند بگوید من، مالک نفع و ضرری نیستم . اولیاء الهی : رابطه خود را با خداوند اینگونه می دانند که تمام حرکات خود؛ مال خداوند می باشد .

پس با توجه به آیاتی و احادیث قدرت از خداست و انتخاب از ماست که این برای انسان و جن یکسان است و بر اساس انتخابی که انسان خود می کند خداوند با توجه به آن پاداش می دهد . نظام پاداش خداوند بر اساس عملکرد خود ما می باشد . این عالم ؛ عالم اسباب و مسببات است که به هرچه می رسیم بر اساس اسباب و مسببات می باشد که بخشی از آن دست ماست و بخش دیگر آن دست ما نیست که بخش دیگر آن ممکن است دست دیگران و جامعه و غیره باشد ولی آنچه خداوند مورد ارزیابی قرار می دهد ؛ همان بخشی است که دست خود فرد می باشد ، و از آن انتظار دارد که این حجت است . مثلاً " فردی که دزد می شود اگر نود درصد آنرا خود مقصر نباشد و ده درصد را خود فرد مقصر باشد برای همین ده درصد باید پاسخگو باشد . خداوند متعالی عوامل خارجی را کار ندارد عواملی که دست خود فرد هست رسیدگی می کند . روز قیامت هم همین جریان است .

برخی اسباب و مسببات به عالم غیب بر می گردد . کسی که می خواهد متقی شود باید عالم غیب را بپذیرد . نتیجه گیری : نتیجه اینکه در بحث سبک زندگی ما باید روی اسباب و مسببات عالم تکیه کنیم و گمان نکنیم اتفاقاتی که در عالم رخ می دهد بی حساب و کتاب است .

گزارش برگزاری نهمین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

نهمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۱۱/۱۰ ساعت ۱۰ صبح در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید . جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید و گزیده ای از مباحث قبلی توسط استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل قرائت گردید .

با توجه به اینکه بحث قبلی بر اساس حکمت الهی بوده است. انسان حکیم هر کاری می کند بر اساس حکمت و در جای خودش انجام می دهد خداوند کتاب خود "قرآن" را حکیم معرفی کرده است، همچنین کل خلقت هم بر اساس حکمت است.

آیت الله حائری می فرماید: تا زمانیکه انسان وارد جنگل نشود بسیار تمیز و بهداشتی است چون همه خلقت درون جنگل؛ گیاهان و جانوران متناسب آن می باشد ولی با نفوذ انسان به جنگل بر تمام سیستم آن تغییراتی حاصل گردید و نظم طبیعت را برهم زده است.

پاداش و عقاب هم بر اساس حکمت خداوند است. پاداشها و عقاب انسان بر اساس موقعیتی است که خداوند به او داده است. لذا در بحثهای اخلاقی و پاداش و عقاب نباید خود را با دیگران مقایسه کرد و هر کس خود را با عملکرد خود باید مقایسه کند و افراد پاداش رفتار خوب و بد خود را می بیند. هر انسان باید باورهای الهی را در خود تقویت کند تا رفتار او الهی باشد. رفتار خداوند با ما حکیمانه است در این راستا بحث اختیار انسان مطرح می شود دو گروه مخلوقات اختیار دارند:

انسان

اجنه

یعنی وقتی انسان اختیار دارد می تواند هر کاری را انجام بدهد یا ندهد. ولی حیوان این اختیار را ندارد، رفتار آنان بر اساس غریزه است برای مثال هنگامی که بر روی حیوان آزمایشی را انجام می دهید هر دفعه همان رفتار را تکرار می کند ولی اگر این آزمایش را بر روی انسان انجام دهید هر دفعه پاسخی متفاوت خواهد داد. اختیار انسان دو بعد دارد:

اختیار تکوینی (آزادی تکوینی) که مورد قبول دین اسلام می باشد

اختیار تشریحی (آزادی تشریحی) که مورد قبول دین اسلام نیست

آزادی تکوینی: یعنی ما انسان ها در انجام کار آزاد هستیم می توانیم کار را انجام بدهیم و ندهیم مثال دزدیدن مال مردم. آزادی تشریحی در واقع توان انجام کار است به خلاق آزادی تشریحی که جواز انجام کار است.

آزادی تشریحی: به مانند جواز می باشد یعنی بر اساس احکامی که در دین اسلام بیان شده است باید عمل کرد در دین اسلام نیامده که هر کاری که می خواهید بکنید. احکام دین شامل: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح می باشد کلیه دستورات دین در این پنج احکام قرار داده شده است مثلاً "اگر در کاری مجاز هستیم ولی باید بر اساس احکام شرعی آن باشد. آب خوردن مباح است ولی در ماه رمضان طبق شریعت از اذان صبح تا اذان مغرب نباید چیزی خورد حتی آب. لذا کلیه دستورات را از شرع می گیریم و بر اساس محدودیتهایی که برای آن در نظر گرفته می شود باید انجام دهیم. عده ای می گویند استقلال، آزادی جمهوری اسلامی پس چیست؛ این آزادی شرعی نیست بلکه آزادی اجتماعی است یعنی خداوند انسان را آزاد آفریده است مثلاً" امر به معروف و نهی از منکر عده ای انجام می دهند و عده ای انجام نمی دهند. این میشود آزادی اجتماعی که حدود آزادی اجتماعی را قانون و عرف مشخص می کند.

آیت اله جوادی آملی می فرماید: در جوامع غربی قانون برای جامعه است و مردم برای زندگی نیاز به قانون دارند. ولی در اسلام قانون برای فرد است هر فرد باید قانون داشته باشد زیرا هدف فرد به تکامل رسیدن است.

تاکید اسلام: انسانی ارزشمند است که در خلوت هم برای خود قانون الهی داشته و رعایت کند تا به کمال و رشد برسد. انسانی که بخواهد رشد کند باید دستورات الهی را رعایت کند هر چند سخت باشد مانند انسانی که بیمار است و برای اینکه صحت و سلامتی کامل بیابد باید داروهای تلخ و سخت را بخورد؛ دستورات الهی هم به مانند داروی تلخ است که با نوشیدن آن عاقبت؛ خیر و خوبی است.

پس در سبک زندگی اسلامی، دستورات دینی برای زندگی سالم و بهتر است و هر کس به دستورات عمل کند در واقع برای پیشرفت خودش کار کرده است هر چند آن کار به ظاهر خدمت به دیگری باشد. مانند دو برادر که یکی در هنگامی که نیاز دارد به آن کمک نمی کند ولی همان برادر که به آن کمک نشده است روزی که برادرش نیاز دارد به آن کمک می کند که این همان اخلاق اسلامی است.

علمای اخلاق؛ اخلاق را دو دسته می دانند:

رفتار طبیعی: یعنی مقابله به مثل کنید اگر کسی کمک نکرد تو هم به او کمک نکن

رفتار اخلاقی: انسانیت داشته باش یعنی اگر در ناتوانی به تو کمک نکرد تو به او کمک کن

مثلا در داستان قارون خداوند می فرماید مالی که به تو داده ایم مقداری به عنوان زکات بده تا برای آخرت خود توشه ای فراهم کنید.

برای مثال حضرت علی (ع) که خود پیشوا و رهبر مسلمین و امام بودند در امور خیر کوتاهی نمی کرد با ایجا باغ هایی از نخلستان و زدن چاه به فقرا می بخشید تا خداوند در آخرت به او جزا دهد.

سوره توبه آیه ۱۱۱: **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ**

همانا خدا نیروهای بدنی و مالی مؤمنان را خریده است به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد. آنان در راه خدا پیکار می کنند و می کشند و کشته می شوند. این وعده حقی است بر خدا در تورات و انجیل و قرآن. و چه کسی از خدا به عهد خود وفادارتر است؟ پس به معامله [پر سود] خود که انجام داده اید شادمانی کنید، و این است آن کامیابی بزرگ. دیدگاه انسان باید اینگونه باشد که تمام وجود خود را از خدا بداند و همیشه و همه حال خدا را ناظر اعمال خود ببیند و تنها در جهت رضای خدا گام بردارد و تمام وجودش برای خالق هستی باشد.

سوره یونس آیه ۱۷: **ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ**: آنگاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می کنید

خداوند به دنبال پیشرفت صنعت و تکنولوژی نیست بخاطر اینکه اگر خداوند بخواهد به این امور توجه کند پس چرا با یک زلزله همه امور را بهم می زند. آنچه در چرخه زندگی دنبال آن هستیم "کیف یعلمون" می باشد یعنی کیفیت زندگی مهم است اگر کیفیت زندگی خوب باشد دیگر ابزار آن مهم نیست که چگونه است ولی اگر کیفیت زندگی بد باشد با بهترین ابزارها باشد آن زندگی بد است.

دارایی انسانها باید در مسیر خدمت به خدا باشد تا ارزش و جایگاه داشته باشد و اگر در مسیر خدمت به خودمان باشد هیچ ارزشی ندارد.

سوره انعام آیه ۱۶۲: قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَو: همانا نماز من و عبادت و حج و قربانی من، و زندگی من (تمام آثار وجودیم در مدت عمر) و مرگ من (شئون ابدی بقاء روحم) از آن خدا، پروردگار جهانیان است (عبادت‌هایم به قصد او و ملک حقیقی اوست)

آیت اله قرائتی می‌فرماید: یکی از شخصیت‌های بزرگ حادثه‌ای برای او رخ می‌دهد که به حال مرگ می‌افتد و اعمال او مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. او می‌گوید این همه در امور خیر مشارکت داشته‌ام مسجد و مدرسه ساخته‌ام چرا همه را نادیده گرفته‌اید. به آن می‌گویند این کارهای تو همه برای خودنمایی و بدست آوردن مقام و قدرت دنیوی بوده است و برای خدا نبوده است در این صورت تمام این کارها قبول واقع نمی‌شود. و وقتی که دوباره باز می‌گردد تمام امور خود را اصلاح می‌کند.

نتیجه:

خودمان و دارثیمان را در خدمت خدا و برای رسیدن به کمال قرار دهیم.

گزارش برگزاری دهمین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

دهمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج‌شنبه مورخ ۱۳/۱۲/۹۲ ساعت ۹ صبح در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید. جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده‌ای از مباحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و سپس استاد گرانقدر خلاصه‌ای از کلیه جلسات قبل ایراد نمودند و به ادامه مبحث پرداختند:

اصل دهم: نقش دعا در سبک زندگی

آیا دعا در سبک زندگی ما تاثیر دارد؟ آیا نیازی هست که دعا باشد یا نیاز نیست، آیا روی آن حساب باز کنیم یا نکنیم. طبق آنچه که از قرآن استفاده می‌شود می‌فهمیم قرآن یکی از اصلی‌ترین پایه‌های زندگی ایمانی انسانها می‌باشد.

خداوند متعال در سوره مبارکه غافر می‌فرماید:

سوره غافر آیه ۶۰: وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.»

همچنین در سوره مبارکه بقره می‌فرماید: اجیب دعوه الداع اذا دعان

از کلمه دعان در این آیه دو نکته بر می‌آید: دعای = همان دعاست که خیلی از دعا‌های ما در واقع دعا و درخواست نیست و نمی‌توان گفت که دعاست. دعا باید از صمیم قلب باشد؛ که این همان دعای خاص است که با تمام وجود از پروردگار خواستن.

دعای خاص : دعایی که از تمام وجود فرد برخیزد خواسته خود را تمام و کامل فهمیده و به درگاه خدا می آید و درخواست می کند و این دعا مستجاب می شود . خدایا به من کمالات معنوی اعطا کن . کمال یعنی قرب خداست ؛ حال باید فرد بداند که قرب خدا یعنی چه ؟ و تا زمانیکه قرب خدا را نشناسد نمی تواند به کمالات معنوی برسد . علامه طباطبایی می گوید : درخواست از خدای متعالی باید واقعی و باطنی باشد و گرنه این چنین نباشد خدا هم حاجات را برآورده نمی کند برای مثال رفیقی داشتیم که می گفت می خواهم طلبه شوم و پدر و مادر سخت مخالف هستند چه کنم که حاجتم برآورده شود . به او گفتیم اکنون که به امام رضا می روی از امام رضا بخواه تا حاجتت را برآورده کند وقتی برگشت گفتیم دعا کردی ، گفت : حقیقتاً " از ته دل نمی گفتم و خیلی هم دلم نمی خواهد که پدر و مادرم راضی باشند .

دعا : درخواست از خداوند متعال است و ایجاد ارتباط با اوست در دعا انسان با خدا راز و نیاز کرده و از او درخواست کمک برای کسب فیض و سعادت مندی می باشد .

اهمیت دعا : عوامل موثر در تهذیب نفس ، صفای باطن ، و رسیدن به کمال و قرب حق دعا و نیایش به درگاه خدای سبحان است . دعا و نیایش پیوند انسان با خدا را برقرار نموده و موجب پرواز روح به سوی ملکوت و فضای معطر معنوی و عرفانی می باشد .

پیامبر "ص" می فرماید : دعا سلاح مومن ، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است .
شرایط دعا :

دعا کردن باید مشخصاتی داشته باشد همچنین فرد باید شرایط احراز آن را داشته باشد . برای مثال شخصی در خانه خدا طواف می کند و هیچ حاجتی را از خدا نمی خواهد و دعایی هم نمی کند طبیعتاً " خدا هم به او چیزی نمی دهد فرد می گوید خدا به من چیزی عطا نکرد . آری تو از خدا درخواست نکردی خدا هم به تو چیزی نمی دهد .

خداوند می فرماید بعد از حج این دعا را بخوانید و در این دعا هم دنیا را از خداوند بخواهید هم آخرت را :

ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار

بحث بعدی روی دعانی است : خیلی از دعاهایی که می کنیم درخواست از خدانیست ؛ خدا می فرماید بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم . اکنون باید دید آن خدایی که ما می خوانیم چه خدایی است برای مثال مسیح اعتقاد به سه خدایی دارند یا بت پرستان خدایشان بتها هست و از او درخواست می کنند و عده ای دیگر که چیزهای دیگر می پرستند . آیا خدای واقعی باید حاجات آنان را برآورده کند . ممکن است این خدایی که در ذهن خود ساخته ایم با خدای واقعی فرق کند . مانند یک نفر می گوید خدای من مهربان است و عده ای دیگر می گویند خدای من ظالم است . پس باید نسبت به خدای حقیقی معرفت پیدا کنیم تا خدایمان ما را اجابت کند . همچون پیامبر که دعا کند قطعاً " دعایش مستجاب می شود . برای استجاب دعا باید معرفت الهی پیدا کرد .

اجابت نشدن دعا به دلایل زیر می باشد :

یکی از استجاب نشدن دعا ؛ گناه است

در دعای کمیل می خوانیم : اللهم اغفر لی الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لی الذنوب التي تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لی

كل ذنب أذنبته و كل خطيئه أخطأها اللهم إني أتقرب إليك بذكرك و أستشفع بك إلى نفسك»
خدایا آن گناھانی که [پرده] دوری از گناه را پاره می کنند را بیامرز. خدایا آن گناھانی را که بدبختی ها را فرود می آورند را بیامرز. خداوند آن گناھانی را که نعمت ها را دگرگون می کنند را بیامرز. خدایا آن گناھانی را که جلو دعا را می گیرند را بیامرز. خدایا آن گناھانی را که بلا را فرود می آرند را بیامرز. خداوند هر گناھی کردم و هر اشتباهی که مرتکب شده ام را بیامرز.

اگر گناهکار دعایش قبول نمی شود بعلت گناھان وی می باشد حال اگر فرد گناهکار دعایش را خدا رد می کند چون اگر حاجتش برآورده شود او فکر می کند که کارش درست شده است برای مثال فردی که کار آن کلاهبرداری است و هر ساله به حج و کربلا می رود و اگر همین گونه پیش رود فکر می کند که کلاهبرداری مانعی ندارد چون ائمه او را می طلبند ولی این خداوند است که جلو اینها را می گیرد. مانند زمان حیات حضرت موسی (ع) که باران نمی آمد و همه در مکانی جمع شدند و نماز می خواندند اما باز باران نیامد تا اینکه سرانجام استغفار و توبه کردند و التماس به خدا کرده و خداوند اجازه داد تا باران بیارد.

شیخ رجب علی خیاط در کتاب کیمیای سعادت بیان کرده شخصی به نزد رجبعلی خیاط رفته و بیان می کند حاجتم روا نمی شود. شیخ به او گفت: سخنی به پسر عمومیت گفته ای باید پیش او بروی و از او حلالیت بخواهی تا خداوند دعایت را مستجاب نماید.

یکی دیگر از استجاب نشدن دعا این است که خداوند آن کار را به صلاح فرد نمی داند بعضی افراد هستند هنگامیکه حاجتشان روا می شود دیگر خدا را فراموش کرده مثلاً "از بیماری شفا یافته یا رئیس شده است و اکنون که قدرت در دست دارد دیگر بر سر مردم زور می گوید و خداوند اینگونه افراد را که دعایشان اجابت کرده دوباره از آنان می گیرد یا دیگر حاجتشان را روا نمی کند.

گروه دیگر انسانهایی هستند که مقربان خدا می شوند و حاجتشان برآورده نمی شود. این جا بحث عرفانی است این انسانها از پشت در خدا ماندن لذت می برند و هر گونه زجر و عذاب و بیماری و فقر را لذت می دانند.

اگر با نبودش هیچ میلی چرا ظرف مرا بشکست

لیلی

اشاره ای به داستان جابر بن انصاری که از صحابه پیامبر بود پیامبر "ص" به او فرمود تو فرزند پنجم امام محمد باقر را می بینی سلام مرا به او برسان او همان فرد نابینا بود که سر قبر امام حسین (ع) می رفت. وقتی جابر به پیش امام باقر علیه السلام رفت. امام از او سوال کرد حالت چطور است: خدا را شکر که بیماریم بیش از سلامتی است، فقرم بیش از دارائیم است و از مصیبت بیشتر از آسایش لذت می برم. این انسانها هر گاه به این مرحله برسند آنچه خدا برایشان مقدر ساخته است می پذیرند اگر خداوند سلامتی یا بیماری یا فقر دهد به هر حال می پذیرند.

باباطاهر در اشعار خود می گوید: یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسنددمن از از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندند

انسانهایی که به مرحله سوم می رسند یعنی از فرصتها به نحو احسن استفاده کرده و دعاهایشان هم اجابت نمی شود. آنان کسانی هستند که خدا دوستشان دارند. اینها کسانی هستند که از پشت در خدا ماندن لذت می برند و باعث رشد آنان می

باشد . انسان همیشه باید دعاهایش را و درخواستشان از درگاه متعالی رفیع باشد و چیزی کم از خدا نخواهد . هر چند در روایات آمده است که خدا می فرماید حتی نمک غذایتان را از ما بخواهید تا ما در کار شما تسهیل بوجود آوریم اما افراد نباید به همین چیزهای کم قانع باشند.

دعاهای بسیار زیادی برای شیعه است که بدینقرار می باشد :

ابوحمره ثمالی

دعای کمیل

صحیفه سجایده که بحث های اخلاقی است و غیرو

حضرت امام خمینی (ره) فرمودند: یک صفحه دعا خواندن و فهمیدن و تفکر کردن و در اعمال خود پیاده کردن وزندگیت را اینگونه ساختن بهتر از رفتن به مجالس که تمام دعا را بخوانند و هیچ توجهی نکنند است .

خلاصه پس در دعاها افراد چهار دسته اند :

آنها بی که دعا را نمی کنند فقط مادیات و دنیوی هستند ؛ و همه چیز را بر اساس مادی انجام می دهند

آنها دعا را قبول می کنند و ایده دارند که هر گونه تلاش و برنامه ریزی را کنار بگذارند و با دعا کردن همه چیز درست می شود ؛ آنان در دعاهایشان ثابت قدم نیستند و هر گاه دنیا به آنان پشت می کند فوری متزلزل می شوند .

آنان در دعاهایشان حد وسط را قبول دارند یعنی انسان هم باید برنامه ریزی و کار کند و هم دعا کند . اینها دعا را مکمل کارهای خود می دانند

گروه دیگر کسانی هستند که علاوه بر تلاش و برنامه ریزی دعا هم می کنند اما دعا را مکمل نمی دانند بلکه دعا را روح حاکم بر اعمال و رفتار خود می دانند .

گزارش برگزاری یازدهمین و دوازدهمین جلسه تفسیر قرآن در دانشکده بهداشت ۱۳۹۲

یازدهمین و دوازدهمین جلسه تفسیر قرآن جهت اعضاء هیات علمی و کارکنان در روز پنج شنبه مورخ ۹۲/۱۲/۲۲ ساعت ۹ صبح در آمفی تئاتر علامه فیض کاشانی با ادامه موضوع سبک زندگی و استاد گرانقدر حاج آقای شاه فضل تشکیل گردید .

جلسه با تلاوتی از آیات کلام اله مجید آغاز و گزیده ای از مباحث قبل توسط یکی از حاضرین در جلسه قرائت گردید و سپس استاد گرانقدر با توجه به فرارسیدن سال نو و مصادف شدن با ایام فاطمیه ، سخنانی ایراد نمودند و همچنین سال نو را هم پیشاپیش تبریک گفته و علاوه بر اثر بخشی دعا در زندگی سپس در خصوص نقش قرآن در زندگی سخنانی ایراد نمودند :

اصل دوازدهم : نقش قرآن در سبک زندگی

هدف نهایی همه چیز را باید در قرآن جستجو کرد؛ همه چیز در قرآن کریم بیان شده است.

سوره نحل آیه ۸۹: وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

ما آن کتاب را (کتاب مبین) را بر تو تنزیل کردیم (پایین آوردیم) این کتاب کارش چیه؟ تبیاناً لکل شیء: تبیین همه اشیاء عالم است.

اولین بحث در مورد قرآن این است که آیا قرآن به درد زندگی بشر امروزی می خورد؟ زیرا قرآن کتابی است قدیمی؛ برای روشن شدن موضوع نمونه ای را بیان می کنیم. اولین رصدخانه توسط خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه بوجود آمد. که این دستگاه در زمان خود خیلی مفید بوده و لی اکنون در این زمان کاربردی ندارد و دستگاههایی جدید مورد استفاده قرار می گیرد اما آن دستگاه را در موزه نگهداری می کنند و به عنوان یک ابزار قدیمی مورد احترام است. عده ای دیدشان به قرآن اینگونه است که در زمان عرب که سواد نبوده این قرآن کاربرد داشته است و اکنون که علم پیشرفت کرده است ورشته های تخصصی زیادی بوجود آمده است و بافت زندگی عوض شده است، دیگر قرآن کاربرد ندارد. در پاسخ به این سوال می گوئیم مولفه های انسان امروز و دیروز فرق نکرده است و این ابزارهای موجود است که تغییر کرده است برای مثال انسان دیروز شجاعت و سخاوت داشته و انسان امروزی نیز همان شجاعت و سخاوت را دارد لذا در اصول انسانی، بین انسان امروز و پنج هزار سال پیش هیچ فرقی حاصل نشده است.

قرآن کتابی است که بر اصول انسانی نوشته شده است. قرآن برای انسان و احکام انسانی نوشته شده و انسان تغییر نمی کند لذا احکام آن هم ثابت است. این کتاب که هزار و چهارصد سال پیش نوشته شده است همه چیزهای حرام مانند دروغگویی، غمار، شراب خواری و همه چیزهای حلال و مباح و الی غیر؛ از اعجاز قرآن است که به مسائل حاشیه ای نپرداخته است. برای یافتن سبک زندگی الهی ما می توانیم به قرآن رجوع کنیم و به استناد آن عمل کنیم. اهمیت جایگاه قرآن:

قرآن کتابی است که از سوی خداوند برای انسانها آمده است و هیچ خدشه ای در آن نیست. در مورد سخنان اهل بیت و تواریخ اظهار نظر بسیار شده است ولی قرآن کتابی است که تمام نکته های آن از طرف پروردگار می باشد. هر کلام قرآن خود معجزه است. گفتن بسم الله الرحمن الرحیم؛ معجزه الهی است پس قرآن خودش سرتاسر یک معجزه است و اگر در زندگی به عنوان راهکار استفاده کنیم موفق می باشیم زیرا هر نکته آن مفید و دارای کاربرد فراوان می باشد. حیطه های قرآنی در سبک زندگی:

- روابط درون خانه (بین پدر و مادر و فرزندان) برای مثال ساعتی از روز را تعیین کرده است که پدر و مادر با فرزندان خود گفتگو کنند و یا فرزند برای وارد شدن به اتاق پدر و مادر باید اجازه بگیرد. یا ایها الذین آمنوا لیستاذنکم ...

- روابط زن و شوهر (از ازدواج تا طلاق) که این آیات خود شامل دهها نکته است. آیت اله قرائتی می فرماید در آیه بالوالدین احسانا معنای ظاهری آن، نیکی به پدر و مادر است اما در آن ۲۰ نکته نهفته است

سوره نسا آیه ۲۴: الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصلحاحات قنتت حفظت للغیب بما حفظ الله والتی تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن فان اطعنکم فلا تبغو علیهن سییلا ان الله کان علیا کبیرا: مردان را بر زنان تسلط و نگهبانی است به واسطه آن برتریها که خدا برای برخی نسبت به برخی

دیگر مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید به زنان نفقه دهند و زنان شایسته، زنانی هستند که متواضع هستند و در غیبت مردان خود حافظ اسرار و حقوق شوهران هستند در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده است و زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید نخست آنها را موعظه کنید و اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنها دوری گزینید و باز اگر مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید و چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچ گونه ستم ندارید همان خدا بزرگوار و عظیم الشان است .

• روابط فامیل و همسایه

سوره نسا آیه ۳۶: **وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ** خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، مسکینان و همسایه ی فامیل و همسایه غیر فامیل نیکی کنید رسول گرامی اسلام به منظور سالم سازی و ایجاد روحیه ی اعتماد و اطمینان به همدیگر و همچنین تقویت وحدت و انس تا چهل خانه از چهار سوی «: و الفت در جامعه اسلامی درباره ی حدود همسایگی و رعایت حقوق آنان می فرماید منزل یک مسلمان، از روبرو، پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ همسایه و رعایت حقوق آنان می فرماید: « تا چهل خانه از چهار سوی منزل یک مسلمان، از روبرو، پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ همسایه ی یک مسلمان به شمار می آید. در این میان گاهی افرادی پیدا می شوند که نه تنها به همسایگان خود نیکی نمی کنند بلکه آنان را می آزارند

• ارتباط انسانهای گناهکار و بی گناه (عفو بخشش)

۵- زمان کار و عبادت و استراحت : شب را برای استراحت و روز را برای تلاش و کار قرار دادیم یا به پیامبر خطاب سوره غافر آیه ۶۰: **اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ** می شد که هر وقت از این کارت فارغ شدی به دنبال کار دیگری برو **لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ** خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیسائید، و روز را روشنی بخش قرار داد، خداوند نسبت به

مردم صاحب فضل و کرم است هر چند اکثر مردم شکرگزاری نمی کنند

۶- مسائل میهمانی و آداب میهمانی های پیامبر: زمانیکه رسول اکرم "ص" میهمانان به خانه خود دعوت می کرد یا به خانه رسول خدا می رفتند همیشه زودتر می رفتند و دیرتر هم خارج می شدند . در روایت است که هر وقت میهمان به خانه ات می آید بهترین چیزها را برای میهمان قرار بدهید مانند حضرت ابراهیم (ع) که هنگامیکه میهمان به خانه اش می رفت گوساله ای را می کشت و کباب می کرد و در پیش آنان می گذاشت .

یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبى الا ان یؤذن لکم

سوره نور آیه ۲۸: **فان لم تجدو فیها احدافلا تدخلوها حتى یوزن کم وان قیل لکم ارجعوا فارجعوهو از کی لکم و الله بما تعملون علیم :** و اگر کسی را در « نیافتید باز وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و چون به شما برگردید باز گردید که این برای شما پاکیزه است و خدا به آنچه می کنیم داناست .

۷- کیفیت و آداب غذا خوردن : که چه غذاهایی بخوریم و نخوریم و آداب آن و همچنین از غذاهای خود را انفاق کنیم که در این راستا تحقیقات زیادی انجام شده است .

۸- اداره حکومت: که کل سوره بقره برای اداره حکومت می باشد. همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۷۰٪ تا ۸۰٪ آن بر اساس قرآن کریم نوشته شده است.

۹- احکام جهاد: چندین سوره در قرآن کریم مربوط به احکام جهاد است و اصول سیاست هم در آن آمده است و نحوه برخورد با منافق و مشرکین و کفار را بیان نموده است. همچنین در خصوص اسیر گرفتن که چه زمانی اسیر بگیریم و چگونه با آنان برخورد کنیم.

۱۰- برخورد با کشورها و امورات بین المللی

۱۱- آداب و مسائل مربوط به سفر: که انسانها سفر کنید و به آثار گذشتگان بنگرید و با نگاه عبرت آموز؛ از آن پند بگیرید و همچنین مسائل مربوط به نماز و روزه که در سفر چگونه باید عمل کرد.

سوره آیه
قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ
هان ای پیامبر! به شرک گرایان بگو: بروید و در کران تا کران زمین بگردید و به همه جای آن سفر کنید و به موجودات گوناگون از موجودات زنده گرفته تا انسانها پژوهشگرانه بنگرید تا ببینید خدای توانا چگونه آفرینش نخستین آنها را آغاز کرده است!

۱۲- مسائل اقتصادی: که آیات زیادی در رابطه با انفاق، زکات، ربا و رشوه آمده است

۱۳- مسائل مربوط به جامعه اسلامی: آیات زیادی در این راستا بیان شده است مانند امر به معروف و نهی از منکر، روابط انسانها، قضاوت بین انسانها و دعوی و اختلاف در خانه ها

سوره توبه آیه ۷۱: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَا بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ: مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می کنند. وظیفه ما انسانها نسبت به این موضوعات چیست؟ انسانها دو دسته اند:

• انسانهایی که بهره بردار از قرآن هستند.

• انسانهایی که امکان بهره برداری از قرآن را برای دیگران فراهم می کنند.

حال ما انسانها با توجه به تخصصی که داریم در هر زمینه ای علمی کسب نموده ایم. علم خود را با قرآن در آمیخته و تخصص خود را از علم قرآنی استفاده نماییم تا سرافراز و سربلند شویم. مثلاً بیشتر کتابهای اقتصادی، روانشناسی، مدیریتی، اقتصاد و جامعه شناسی بر گرفته از نظریات غربی می باشد و متأسفانه نظرات قرآنی در آن بیان نشده است که بیشتر متخصصان ما در این راستا در زمینه قرآنی کنکاشی نکرده اند.

بهره برداری از قرآن:

توصیه می شود روزانه ده دقیقه تا یک ربع قرآن بخوانیم به همراه ترجمه و تفسیر آن تا با این نگاه بتوانیم زندگیمان را قرآنی نماییم. برای نمونه رجوع شود به تفسیرهای قرآنی مانند تفسیر نمونه، المیزان، النور با توکل به خداوند که بتوانیم زندگیمان را قرآنی کنیم.

خاتمه سال ۱۳۹۲ و آغاز سال ۱۳۹۳ شروعی سرسبز با کتاب آسمانی (قرآن کریم)

اولین جلسه تفسیر قرآن در مورخ اول اردیبهشت ۱۳۹۵ با حضور حجت الاسلام شاه فضل در دانشکده بهداشت

آیه ۱۷ سوره لقمان:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ای پسرم نماز را بپا دار و به نیکی امر کن و از بدی و منکر باز دار و بر آنچه به تو می رسد صبر کن همانا این از کارهای مطلوب است)

این آیه و آیه بعدی حاوی دستورالعمل لقمان درباره عمل و اخلاق است ، در ابتدا به نماز سفارش می کند که ستون دین است بدنبال آن به امر به معروف و نهی از منکر می پردازد که ضمانت اجرایی و عملی احکام الهی است و هرگز اصلاح فرد بدون اصلاح جامعه تمام و کمال نمی شود و آنگاه به صبر سفارش می کند که صبر در برابر مصائب از جمله اخلاق پسندیده است و مراد از آن نگهداری نفس و خویشنداری در امور است تا بتواند در برابر آنچه تصمیم و عزم نموده استوار و ثابت باشد .

دستور به نماز در تمام ادیان آسمانی بوده است . حضرت مریم (س) در معبد به تنهایی عبادات می کرد همراه با رکوع و سجود .

از اینجا برداشت می شود که نماز مخصوص دین اسلام نبوده و همه ادیان مساله نماز را داشته اند.

نکته دیگر اینکه در زمان حضرت مریم (س) نماز به جماعت خوانده می شده است و سجده و رکوع در نمازهای آنان بوده است

امر به معروف و نهی از منکر هم مانند نماز در تمام ادیان بوده است همان طور که لقمان به پسرش سفارش می کند .

فرق امر به معروف و نهی از منکر با امر به واجب و نهی از حرام چیست ؟

معروف یعنی آنچه که عرف می پسندد ولی واجب یعنی آنچه از نظر خداوند واجب است از نگاه خداوند هر حرامی زشت و منکر است ولی از نظر مردم این طور نیست.

ایت اله حائری شیرازی : قبل از اینکه امر به معروف و نهی از منکر کنید , واجبات را تبدیل به معروف و حرامها را تبدیل به منکر کنید ان موقع امر به معروف راحت می شود.

یک ایرادی که به برخی از برنامه های صدا و سیما وارد است این که بی حجابی را به عنوان معروف نشان می دهد و چادر را بعنوان منکر

در ادامه ایه ۱۷: واصبر علی ما اصابک

یعنی برو امر به معروف و نهی از منکر کن و آنچه که از این امر به معروف و نهی از منکر به تو می رسد صبر کن، بعضی نیز گفته اند به هر چه که بتو می رسد صبر کن چه در امر به معروف و نهی از منکر و چه در موارد دیگر.

صبر بر معصیت یعنی شرایط فراهم است برای انجام گناه اما فرد خویشتن داری کند صبر بر طاعت یعنی برای انجام کارهای خوب حوصله نداری مثلا برای نماز خواندن خواهی انرا به تعویق بیندازی صبر بر مصیبت که ثواب کمتری دارد یعنی اینکه مصیبتی به تو رسیده و باید تحمل کنی و صبر پیشه نمایی. طبق روایات صبر بر معصیت ۹۰۰ و صبر طاعت ۶۰۰ و صبر بر مصیبت ۳۰۰ ثواب دارد. به مصیبتها دچار می شویم چون یا گناه کرده ایم و دچار مصیبت شده ایم تا گناهان ما پاک شود یا اینکه گناه نکرده ایم و برای امتحان است و خدا می خواهد درجه ای به ما بدهد که هر دو مورد لطف خداست.



دومین جلسه تفسیر قرآن مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ با حضور حجت الاسلام شاه فضل دانشکده بهداشت

ادامه تفسیر آیه ۱۷ سوره مبارکه لقمان: ان ذلک من عزم الامور

یعنی صبر کردن از کارهای سخت است

امام خمینی (ره): عزم یعنی اراده جلدی که در فرد وجود دارد برای خوب شدن. مثلا یکنفر می خواهد به مسافرت برود و از لحظه ای که می خواهد برود همه مقدمات را فراهم می کند و اراده می کند تا به تمام کارهایش برسد.

امام می فرماید میزان ارزش انسانها به میزان عزم آنهاست در واقع این عزم برای خوب شدن جوهره انسانیت است.

در مباحث عقلی: عقل معاد و عقل معاش مطرح است / عقل معاد یعنی فرد بدنبال این است که چه کاری کند تا زندگی اش معنوی شود. عقل معاش یعنی چه کاری کند تا درآمد بیشتری بدست آورد

امام خمینی: اگر کسی بدون این عزم از دنیا برود (یعنی هیچ اراده ای برای خوب شدن در فرد وجود نداشته باشد) و با اراده دنیا از دنیا برود در قیامت بصورت انسان محشور نمی شود.

عزم یک قوای انسانی است که می تواند در خدمت دنیا و یا در خدمت آخرت قرار گیرد.

علامت کسانی که عزم خوب شدن دارند:

۱- گاهی از اوقات به خاطر بدی هایش خوابش نمی برد یا از خواب می پرد

۲- در زندگی همیشه دنبال مطالب خوب و آخرتی می گردد

۳- اگر کسی بدی هایش را به او گفت خوشحال می شود ناراحت

میرزا ملکی تبریزی: شاخصی را مشخص می کند و اینکه صبح از خواب بیدار می شوی اولین چیزی که ناخود آگاه در ذهن شما می آید چیست؟

اگر امور دنیایی بود تو دنیایی فکر می کنی و اگر امور آخرتی بود آخرتی فکر می کنی

ایه ۱۸: وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

و روی خود را به نخوت از مردم برمگردان و در روی زمین با ناز و تکبر راه مرو ، که خداوند هیچ متکبر خودپسند و فخر فروش را دوست ندارد .

کلمه خد به معنی صورت است . صعر به معنی یک بیماری است که در گردن شتر است وقتی به گردن شتر می زند شتر نمی تواند سرش را تکان دهد. قرآن کسی که متکبر است را به شتری تشبیه کرده است که دچار بیماری صعر است زیرا افراد متکبر به دیگران نگاه نمی کنند. این آیه یکی از علایم متکبران را که نگاه نکردن به دیگران است را بیان نموده است.

در روایات داریم تکبر باعث شد شیطان از درگاه الهی رانده شود .

مرح به معنای شادی است بر وزن فرح است (فرح یعنی هم شادی خوب هم شادی بد)

علامت دیگر تکبر با شادی های بد روی زمین راه رفتن است

یکی از صفات مومنین به گفته امیرالمومنین تواضع است.

مختال به معنای خیال پرداز است . فخور : کسی که فخر می فروشد

انسانی که فخر می فروشد ۲ دلیل دارد: یا برتری واقعی نسبت به دیگران دارد یا برتری واهی نسبت به دیگران حس می

کند که خداوند هیچ کدام از متکبرین فخر فروش را دوست ندارد

انسان در عین اینکه هر نوع کمالاتی را در خود دارد ذره ای تکبر نباید داشته باشد. نقطه مقابل تکبر ، تواضع می باشد

سفارش لقمان : در راه رفتن میانه رو باش و صدایت را هم بلند نکن

نکته روان شناسی : از دست خط و نمونه امضا می توان به شخصیت افراد پی برد

قران نیز می فرماید از راه رفتن انسان می توان به شخصیت آنها پی برد

خداوند در این آیه می فرماید : اگر هنر ادم بلند کردن صداست ، بلندترین صداها ، صدای الاغ است



سومین جلسه تفسیر قرآن در مورخ ۱۳ خرداد ۱۳۹۵ دانشکده بهداشت با حضور حجت الاسلام شاه فضل

ایه ۲۰: أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

نکته الم تروا : منظور این است اگر می بینی پس چرا توجه نمی کنی ؟ در واقع انسانها می بینند ولی نمی خواهند متذکر شوند.

سخر لکم (رام شدن) همین که نور خورشید به ما می رسد و از آن استفاده می کنیم یعنی در اختیار ماست

مثال : دریا - کشتی که می تواند روی آب حرکت کند این خاصیت از طرف خداست . خداوند بر همه چیز اراده و قدرت

دارد و خدا می فرماید این آب را ما فرستادیم و ساقی شما شدیم ، اگر کمک نکرده بودیم شما

نمی توانستید آن را ذخیره کنید. خداوند همه مسخرات را در تسخیر انسان قرار داده است (خورشید، ماه ، شب و روز

،....) هر آنچه در اسمانها و زمین است همه در اختیار انسان است.

اسبغ: به معنای ریزش فراوان است منظور اینکه خدا به انسان زیاد نعمت داده است که این نعمتها بصورت ظاهری و باطنی است.

آیه ۲۱: وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

و چون به آنها گفته شود از آنچه که خدا فرو فرستاده (کتاب و برنامه دینی (پیروی کنید ، گویند: (نه) بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم (عبادت بت ها و سنن جاهلیت) پیروی می کنیم! آیا (از آنها پیروی می کنند (هر چند که شیطان آنها را به سوی عذاب شعله ور (دوزخ) دعوت کند؟!)

آیه ۲۱: در زمان پیامبر (ص) مشرکان می گفتند ما تابع پدران خود هستیم چون آنها بت پرست بودند پس ما نیز بت می پرستیم. اگر شیطان پدران شما را به جهنم هدایت کند باز هم مشرک می شوید؟

در پایان جلسه سخنران جلسه با توجه به نزدیکی رحلت حضرت امام در خصوص زندگی ایشان صحبت نمودند حضرت امام خمینی (ره) در همه زمینه های فقهی ، علمی ، فلسفی ، دینی و... کار کردند و مهارت داشتند

امام بر خلاف بقیه که می نشستند و می گفتند بروید ، حرمت کرد و بقیه را نیز دعوت به حرکت کرد . بیشتر علما فقط می نوشتند اما امام عمل می کردند

